

پاسخ دهنده: آقای دکتر حسین عساریان نژاد

چگونه می‌توان ایده را به نظریه تبدیل نمود.

**پاسخ:** اگر نظریه را مجموعه‌ای از دانش و آگاهی علمی بدانیم که قادر است رابطه میان چند متغیر را به گونه‌ای تبیین نماید که میزان عینی‌سازی و تجربه در آن به همراه میزان منطق‌پذیری فی‌مابین متغیرها قابل دفاع بوده و از سویی چیستی، چرایی و چگونگی فی‌مابین این روابط را توضیح دهد و پیشنهادات لازم جهت پیاده‌سازی و استقرار آن در محیط عینی را فراهم سازد، نظریه به نامیم. این تعریف مستلزم فرآیندی آزمون شده در یک محیط و کسب تجربه موفق از آن محیط را به عنوان پشتیبان علمی خود مطرح می‌نماید ولیکن ایده را معمولاً قضیه‌ای می‌نامند که در آن محقق براساس یک برداشت یا استنباط علمی از یک یا چند رخداد در ذهن پرورانیده و آن را به صورت یک فرضیه طرح و از نظر علمی حدی عالمانه، منطقی و قابل آزمون است لذا ایده‌ها در قبال نظریه از سه تفاوت اصلی برخوردارند:

نکته نخست: ممکن است بسیاری از فرضیه‌ها زمینه تجربی و تئوریک نداشته باشند ولی در قالب یک اندیشه مطرح گردند.

نکته دوم: این که نظریات بیشترین سطح پیاده‌سازی یا استقرار را به همراه دارند. ولی ایده‌ها الزاماً به دنبال پیاده‌سازی و عینی‌گرایی خود نیستند ولی منطق را در قالب منطق عمل‌گرایانه دنبال می‌کنند.

نکته سوم: نظریه در کسب تفسیر و تبیین متغیرها در محیط هدف که می‌تواند سه سطح سازمانی، ملی (بومی) و جهانی در بر بگیرد، اتلاق می‌گردد. ولی ایده معمولاً رویکردی ذهنی و نظری و گمانی عالمانه به کسب بین یک رابطه و یا تبیین یک موقعیت یا شرایط اختصاص دارد که ممکن است در صحنه عمل با بسیاری از متغیرهای بدیل خود نیز با مقاومت و تعارض مواجه شود ولی در بستر اندیشه‌ای خود از بیشترین سطح روایی برخوردار است.

عقیده اندیشه، آراء متکلمین، فقها، مفسرین و اندیشمندان گوناگون در علم را در بدو امر می‌توان رویکردی از کارکرد ایده را در خود جای دهد مانند ایدئولوژی، یعنی شناخت ایده، که در مکتب امروزی به فلسفه رویکرد و باور غالب در آن مکتب اطلاق می‌شود. که می‌بایست مبتنی بر دانش خود و الگوی فکری غالب بر آن ایده شناخته شود به طور مثال می‌توان ایده ولایت فقیه را در نزد حضرت امام<sup>(ره)</sup> فرض نمود. امام این ایده را از متن اندیشه اسلامی برگرفت و در سه کتاب خود قبل از انقلاب آن را بسط و تصحیح کرد ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به نقش خود به عنوان یک فقیه اعلم ولایت عامه و تشریحی برخواسته از این ایده، موفق گردید به مورد اجرا گذارد و بر اساس آن در مجلس خبرگان قانون اساسی این روند، توانایی عینیت یافتگی (تجربه‌شدگی) این ایده را به تجارب آراء خبرگان کشور گذارد و تقاضا نماید به عنوان یک نظریه مورد استفاده قانون اساسی قرار گیرد. با پذیرش شاخص‌های مبتنی بر یک نظریه، این توانست بعد از گذشت ۱۵ سال تجربه عملی در صحنه مبارزات دو نگرش رهبری، نگرش ولی فقیه از سوی خبرگان قانون اساسی مورد تأیید واقع و به عنوان قانون و مبانی حکومتی قرار گیرد.